

ارزیابی و سنجش وضعیت توسعه در استان کرمانشاه با تاکید بر سیاست منطقه گرائی

علی پور میرزا^۱، ریباز قربانی نژاد*^۲، اعظم یوسفی^۳، رحیم سرور^۴

^۱ دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

^۲ دکترای تخصصی جغرافیای سیاسی، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

^۳ دکترای تخصصی جغرافیای سیاسی، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

^۴ دکترای تخصصی مدیریت شهری، استاد و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹

چکیده

امروزه با توجه به منابع انسانی، طبیعی و شرایط جغرافیایی و سیاسی مناطق مرزی در فرایند توسعه ملی، می توان از طریق طرح نظامی (سیستمی) هماهنگ، برنامه ریزی مبتنی بر منابع محلی را در اولویت قرار داد. بنابراین تلاش در جهت ارتقاء شاخص های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و فرهنگی به منظور دستیابی به اهداف مهم توسعه پایدار، در قالب سیاست منطقه گرایی، با استفاده از الگوسازی و ارائه راهکارهای مناسب الزامی و ضروری است. در این پژوهش به بررسی وضعیت توسعه در استان کرمانشاه با تاکید بر سیاست منطقه گرائی پرداخته شد. با مطالعه و تدوین ۱۲۰ پرسشنامه حاوی ۵۰ سوال، تاثیر منطقه گرایی در ابعاد مختلف از نگاه مدیران ۵ شهرستان مرزی کرمانشاه بررسی شد. پردازش اطلاعات با SPSS انجام شد. برای تحلیل آماری تفاوت بین وضع موجود و شرایط ایده آل از آزمون ویلکاکسون استفاده شد و نتایج بیانگر این است که در ابعاد مختلف تفاوت محسوسی در دو شرایط وضع موجود و ایده آل وجود دارد. پس می توان گفت فاصله چشمگیری میان وضعیت موجود با شرایط ایده آل از نظر توسعه وجود دارد و این اختلاف در همه ابعاد به صورت نقشه های (GIS) نمایش داده شد.

کلید واژه ها: ژئوپولیتیک، منطقه گرایی، توسعه اقتصادی، استان کرمانشاه

مقدمه

دولت های ملی همواره درصدد استقرار امنیت داخلی برای حفظ و پیشرفت نظام هستند. تردیدی نیست که بدون وجود امنیت، هیچ برنامه ای در کشور قابل اجرا نیست. شکوفایی اقتصاد کشور، سرمایه گذاری، طراحی برای توسعه، برنامه ریزی طرح های رفاهی و هر گونه فعالیتی که به زمینه آرام و مطمئن در سطوح مختلف جامعه نیاز داشته باشد، همه و همه در گرو تأمین امنیت است (کاظمی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۷) هر کشوری برای تضمین امنیت خارجی نیاز به حد معینی از ثبات سیاسی و امنیت داخلی دارد. این امر خود تا حدود زیادی مستلزم توسعه اقتصادی است. عقب ماندگی و عقب افتادگی های اقتصادی در واقع نوعی ناامنی است (مصلی، ۱۳۸۴، ص ۵۴) اقتصاد نواحی مرزی در واقع، شاخص اصلی و اساسی در برقراری ارتباط بین کشورهای همسایه و خانوارها و مردم ساکن نواحی مرزی می باشد که نه تنها موتورهای توسعه اقتصادی هستند، بلکه، مراکز نوآوری فرهنگی، تحولات اجتماعی و تغییرات سیاسی نیز می باشند (Knox & Marston 1998, 410) بنابراین پویا کردن اقتصاد نواحی مرزی به عنوان یک شاخص اصلی در برقراری ارتباط بین کشورهای همسایه و نیز بهبود امرار و معاش مردم مرزنشین به شمار می رود (موسوی، ۱۳۹۲، ص ۱) که در نوع خود تحولی بنیانی در تولید، اشتغال، تثبیت جمعیت مرزنشین، افزایش سطح درآمد و به تبع آن افزایش رفاه و در نهایت به یک توسعه پایدار ناحیه ای که از جمله اهداف آن رفاه مردم بوده، ایجاد می نماید (وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۷۱، ص ۹-۸) استان کرمانشاه منطقه ای است استراتژیکی و مهم، که می توان آن را سرحد سکونت قوم ایرانی از غیر ایرانی دانست. لذا شناخت مؤلفه ها و توانمندیهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی منطقه و برنامه ریزی درست می تواند باعث کاهش مشکلات این استان شود. کرمانشاه از گذشته های دور ناحیه تجارتهی مهمی در مسیر شبکه بازرگانی زمینی به شمار می آمد که کالاهای تجارتهی چین و آسیای جنوب شرقی از طریق کرمانشاه به مقصد بازارهای خاورمیانه صادر می شد. در شرایط کنونی از لحاظ محصولات کشاورزی، فرآورده های دامی، محصولات غذایی و صنعتی به عنوان یک منطقه تولیدی مطلوب به شمار می رود. از آن جائیکه تمرکز بر منطقه گرایی و گسترش تعاملات با پیرامون زمینه های فرصت سازی برای ایفای نقش و بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را در منطقه فراهم می کند و از خطرات احتمالی امنیتی درآینده پیشگیری می کند، در این پژوهش به این پرسش پاسخ داده خواهد شد. وضعیت توسعه در استان کرمانشاه با تاکید بر سیاست منطقه گرائی تا چه اندازه تاثیرگذار بوده است؟

مبانی نظری**منطقه**

منطقه از بعد سیاسی عبارت است از بخشی از سیاره زمین اعم از خشکی، آبی و یا تلفیقی که بر اساس ترکیب عوامل انسانی دارای تجانس و هویت مشخص بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز می گردد. به عبارتی دیگر اگر عناصر ساختاری و کارکردی یک منطقه جغرافیایی از بعد سیاسی نقش آفرین شود منطقه جغرافیایی تغییر ماهیت داده و به صورت

یک منطقه ژئوپولیتیک در صحنه ظاهر می شود. به عبارت دیگر عناصر ساختاری و کارکردی یک منطقه زمانیکه مورد توجه سیاست قرار گیرد از ارزش و اعتبار ژئوپولیتیک برخوردار می گردد (حافظ نیا، ۱۳۹۰، ص ۵).

منطقه گرایی

در جغرافیای سیاسی، دیدگاه های گوناگون درباره منطقه و منطقه گرایی وجود دارد. در تعریفی کلی، منطقه گرایی عبارت است از توجه ویژه به یک فضای جغرافیایی مشخص که دارای ویژگی های مشترک بوده و بهترین مکان برای تحقق منطقه از یک عرصه پهناور جغرافیایی: اهداف، منافع و آرمانهای چند ملت است که به لحاظ فرهنگی یا فیزیکی، تجانس دارد. (نقیب زاده، ۱۳۸۲، ص ۶) نظریه های مختلف منطقه گرایی از آغاز فرایند همگرایی اروپا، به عنوان اولین و موفقترین نمونه منطقه گرایی، تغییر و تحول یافته اند. این تحول به دو صورت دگرذیسی و دگرگونی در نظریه های موجود و ارائه نظریه های جدید منطقه گرایی تجلی و تبلور یافته است، به طوریکه از یک سو اصول، مفروضه ها و گزاره های نظریه های منطقه گرایی موجود، بازمینی، اصلاح و بازسازی شده است و از سوی دیگر، نظریه های منطقه گرایی نوینی پردازش شده اند که بر مبانی فرانظری متفاوتی استوارند (کاظمی، ۱۳۷۳، ص ۱۱۲)

همگرایی منطقه ای

همگرایی منطقه ای فرایندی است که به صورت تدریجی شکل می گیرد و به تشریح این امر توجه دارد که چگونه و چرا دولت ها از داشتن حاکمیت کامل دست می کشند و روش های جدیدی را برای رفع اختلاف های میان خود به کار می برند (انصاری و افضل، ۱۳۹۶، ص ۳۳۷) البته گاهی خود مناطق دارای موضوعاتی هستند که جنبه رقابتی دارد، اما گاهی منافع ملی کشورهای مختلف به یکدیگر نزدیک می شود. اگر روند کلی در یک منطقه جغرافیایی مشخص نزدیک شدن منافع به یکدیگر باشد، می توان از به وجود آمدن یک بازیگر منطقه ای در عرصه جغرافیای سیاسی سخن گفت. هرچند منطقه گام به گام در حال تبدیل شدن به بازیگری مستقل و قدرتمند است، باید به این نکته توجه داشت که کشورها، مناطق را بیشتر حوزه هایی می دانند که می توانند منافع ملی خود را در چارچوب آن ها پیش ببرند (چانگسی، ۲۰۰۲، ص ۳۸)

نظریه های منطقه گرایی و همگرایی

نظریه سازه انگاری

سازه انگاری به عنوان یک نظریه می تواند همگرایی یا عدم همگرایی میان کشورها را با تأکید بر هویتها، عوامل هنجاری ارزشی، رویه ها و ساختارهای معنایی رایج بیان کند (Dehboneh 2011, 172). این نظریه تلاش می کند تا بررسی کند که چگونه هنجارها، انگاره ها و هویتها به ظهور همکاری های منطقه ای می انجامد (Hwang 2006, 62) آنها در توصیف منافع بر هویت اجتماعی دولتها تأکید دارند. بنا به فرض سازه انگاران، منافع تعیین کننده هویت دولتها است و در این راستا بر تاریخ، فرهنگ، سیاست و زمینه های اجتماعی تأکید دارند (Mohammad Nia 2011, 282) از این بعد یعنی رابطه بین هویت و منافع رویکرد سازه انگاری مهمتر از رویکرد اقتصادی به منطقه گرایی است (Hwang 2006, 62).

نظریه وابستگی متقابل

نظریه وابستگی متقابل ریشه در طرز فکر بین الملل گرایانه یا انترناسیونالیستی داشته که بر مبنای آن امور دنیا به طور عینی در جهت جهانی شدن است. این جریان در روند سیاسی به شکل همکاری میان دولتها منعکس می شود (مشیرزاده ۱۳۹۴، ص ۴۷) در قلب این نظریه البته شکل مدرن آن تجارت آزاد و برداشتن موانع تجارت قرار دارد. در این راستا، فرض را بر این قرار میدهد که تجارت آزاد با ایجاد منفعت مشترک در همکاری تجاری و اقتصادی در یک منطقه جغرافیایی، احتمال منازعه دولتها را کاهش می دهد (برچیل و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۹۹).

نظریه کارکردگرایی و نوکارکردگرایی

کارکردگرایی و نوکارکردگرایی معروفترین نظریه های سیاسی همگرایی هستند. کارکردگرایی با نام دیوید میترا نی در پیوند است. به نظر میترا نی سرمنشا تعارض های میان دولت ها، وجود، شکاف های سیاسی است و نمی توان این شکافها را با توافق حقوقی حل کرد. از نظر میترا نی راه رسیدن به آن فعالیت مشترک است (مشیرزاده، ۱۳۹۴، ص ۶۳-۶۰) وی استدلال می کرد که پیچیدگی فزاینده نظام های حکومتی، وظایف فنی و غیر سیاسی حکومتها را بسیار افزایش داده است. این وظایف نه تنها باعث ایجاد نیاز به متخصصینی کاملاً کار آزموده در سطح ملی شده است بلکه در سطح بین المللی هم مسائلی اساساً فنی را به وجود آورده که حل آنها مستلزم همکاری فن شناسان، و نخبگان سیاسی است (دوئرتی و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۶۶۶-۶۶۷).

الگوی کانتوری و اشیگل

یکی از معروفترین نظریه های همگرایی است. از نظر کانتوری و اشیگل همگرایی را یک یا چند کشور منطقه ای شکل می دهند که معمولاً همجوار و تعاملگر و پیوندهای مشترک قومی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی با یکدیگر دارند، و گاه احساس همانندی و هویت آنها با اقدامات و طرز تلقی کشورهایی که خارج از این نظام تابعه هستند تشدید می شود (سیف زاده، ۱۳۹۷، ص ۳۰۲) به نظر کانتوری و اشیگل، هر منطقه همگرا شده، دارای سه بخش مرکزی، حاشیه ای و مداخله گر است. بخش مرکزی به قسمتی اطلاق می شود که توجه اصلی سیاست بین الملل در هر منطقه به آن معطوف است. بخش حاشیه ای شامل کشورهایی می شود که در سیاست های منطقه ای نقش جانبی دارند و بالاخره نظام مداخله گر، مسئول پرداختن به امور کشورهای خارجی است که مشارکت آنها در امور منطقه ای حائز اهمیت است (سیف زاده، ۱۳۹۷، ص ۳۰۳).

نظریه جوزف نای

بسیاری جوزف نای را نظریه پرداز اصلی و پیش گام نظریه قدرت نرم (soft power) می دانند. مفهوم قدرت نرم و قدرت هوشمند نای طی یک دهه اخیر مقبولیت عام یافته و مورد استفاده فراگیر تشکیلات دولت بوش و اخیراً کابینه اوباما قرار گرفته است. نای از متفکران و بنیان گذاران اصلی نظریه نولبرالیسم در روابط بین الملل است. آثار و نوشته های نای در باب سرشت قدرت، جایگاه ایالات متحده در سلسله مراتب قدرت جهانی و آینده قدرت در عصر اطلاعات باعث شده است که بسیاری وی را در شمار نظریه پردازان مفهوم قدرت به حساب آورند. این مهم به ویژه با طرح ایده قدرت نرم از جانب نای

در دهه ۱۹۹۰ تقویت شد (دانش نیا، ۱۳۹۲، ص ۶۷). نای در سخنرانی ای در جلسه پارلمانی شورای انگلستان در سال ۲۰۱۰ گفت: من ایده قدرت نرم را در مقابل کسانی که به زوال قدرت امریکا می پرداختند به کار بردم؛ چراکه به نظر من قدرت امریکا رو به زوال نمی نهد. من می خواستم به توانایی یک کشور در تحصیل خواسته هایش از راهی غیر از قدرت نظامی اقتصادی یا اعمال زور و کیفر یعنی از طریق جاذبه یا به اصطلاح قدرت نرم بپردازم (Shen, 2011:2). در فضای کنونی دست کم یک بازی قدرت سه سطحی در جریان است. در سطح اول، قدرت سخت و نظامی حائز اهمیت است. در سطح دوم، شق اقتصادی قدرت برجسته شده است و در سطح سوم، دامنه قدرت به بازیگران غیر دولتی مثل تروریست ها و باندهای مافیایی تسری یافته و مسائل پیچیده ای مثل بیماری ها و تغییرات آب و هوایی پدیدار شده است که مواجهه با آن ها خارج از توان تک تک دولت هاست (Nye, 2004: 2-5).

نظریه دویچ

دویچ رابطه ارتباطات با همگرایی جوامع سیاسی را مورد توجه قرار می دهد. (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۶، ص ۶۷۱) به نظر دویچ، همگرایی مانند یک خط مونتاژ است که در جریان تاریخ شکل می گیرد. (مشیرزاده، ۱۳۹۴، ص ۴۴) در رهیافت سیاسی به همگرایی، بر ابعاد نهادی و سیاست گذارانه تاکید می شود. معروف ترین نظریه های سیاسی همگرایی کارکرد گرایی نوکارکرد گرایی هستند.

نظریه دیوید میترانی

کارکرد گرایی با نام دیوید میترانی در پیوند است. به نظر او، سرمنشا تعارضات میان دولت ها وجود شکافهای سیاسی است و نمی توان بر این شکافها با توافق حقوقی نایل آمد. فرض او براین است که اقتصاد و سیاست را می توان از هم جدا کرد. آنچه به اقتصاد و حیات اجتماعی مربوط می شود در عرصه سیاست پایین یا ملایم قرار می گیرد و امکان همکاری در آن هست. (مشیرزاده، ۱۳۹۴، ص ۶۰) نظریه کارکردگرایی واکنشی بود به آنچه در اروپا انجام شده بود و تا حدودی همگرایی اروپایی را توضیح می داد ولی کافی نبود. امروزه اقتصاد سیاسی شده و اهمیت مسائل اقتصادی اگر بیشتر از مسائل سیاسی نباشد کمتر هم نیست (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹، ص ۳۲).

نظریه ارنست هاس

هاس برخلاف میترانی اقتصاد و سیاست را کاملاً جدا از هم در نظر نمی گیرد و به اهمیت سیاسی مسائل اقتصادی اذعان دارد. از یک سو، همگرایی مستلزم وجود نهاد های فراملی و فوق ملی در سطح منطقه ای است. از سوی دیگر، گروههای ذی نفع و احزاب سیاسی در داخل کشورها هستند که منافی را در همگرایی دنبال می کنند. اینها معمولاً پیوند های فراملی نیز دارند. در این برداشت از همگرایی تاکید بر «منافع» است. (مشیر زاده، ۱۳۹۴، ص ۶۱-۶۲) تصور هاس در یکی از آثار وی چنین است که همگرایی «منحصراً به فرایندی اشاره دارد که یک نظام بین المللی عینی و مشخص را به نظام عینی نه چندان مشخص در آینده مبدل می سازد.» (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۶، ص ۶۶۷).

نظریه لیندبرگ

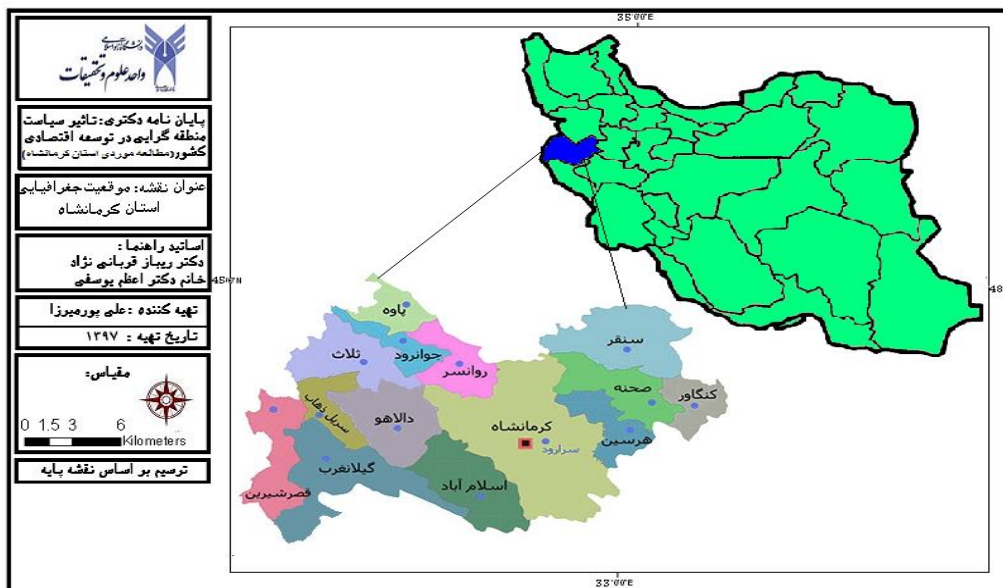
لیندبرگ به همگرایی همچون یک «فرایند چندبعدی تعامل آمیز» می نگرد که باید مورد شناسایی، مقایسه، سنجش و تجزیه و تحلیل قرار گیرد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۶، ص ۶۸۷). اما آنچه در همگرایی اهمیت دارد فرایندی است که به نظر می رسد می تواند به تعمیق و گسترش همگرایی کمک کند. هر اقدامی برای همگرایی در یک بخش وضعیتی را ایجاد می کند که مستلزم همکاری در بخشهای دیگر می شود و همگرایی از بخشی به بخش دیگر «سرریز» می کند و این روند ادامه می یابد. این را هاس «همگرایی بخشی» می نامد (مشیرزاده، ۱۳۸۹، ص ۶۳-۶۴).

روش تحقیق

این پژوهش جهت کمک به امر توسعه استان کرمانشاه به صورت پیمایشی انجام گرفت، روش مطالعه به گونه ای است که ابزار پرسشنامه محور بوده و مطالعات نظری و آماری مکمل بوده اند. پرسشنامه طراحی شده مشتمل بر ۵۰ پرسش در ۵ بعد (اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، کالبدی، زیست محیطی و سیاسی-امنیتی) و ۹ مولفه (شغل و درآمد خانوار، توسعه مراکز اقتصادی، توسعه آموزش، توسعه سلامت، توسعه روابط اجتماعی و همبستگی، توسعه محیط مسکونی، توسعه زیرساخت ها، توسعه محیط زیست و توسعه امنیت) بوده است. برای تعیین حجم نمونه با استناد به سالنامه آماری و چارت سازمانی سازمان مدیریت خدمات کشوری در ۵ شهرستان مورد آزمون تعداد ۱۷۵ مدیر در حال خدمت هستند با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد، احتمال خطای ۵ درصد و میزان پراکندگی ۷۰ درصد، حجم نمونه مورد نیاز برابر با 120 پرسشنامه شد و به صورت مساوی در هر شهرستان ۲۴ پرسشنامه به مدیران تحویل داده شد. از مخاطبان خواسته شد به این سوالات در قالب طیف ۵گزینه ای لیکرت (خیلی ضعیف، ضعیف، متوسط، خوب و خیلی خوب) در قالب فضای (۱ تا ۵) علامت گذاری کنند. سپس داده های پرسشنامه کد گذاری، در محیط excel با انجام عملیات آماری، جداول توزیع فراوانی، درصد، میانگین، نمودارها و... دسته بندی و به نرم افزار SPSS انتقال داده شد برای سنجش و مقایسه وضعیت موجود با وضعیت ایده آل از آزمون ویلکاکسون استفاده شد. در پایان نتایج حاصل از این آزمون را به صورت شکل های GIS نمایش خواهیم داد.

محدوده مطالعه شده

استان کرمانشاه با وسعت ۲۵۰۴۵ کیلومتر مربع به مرکز شهر کرمانشاه در غرب ایران قرار گرفته که از شمال با استان کردستان از شرق با استان همدان از جنوب شرق و جنوب با استان های لرستان و ایلام و از غرب با کشور عراق (با سیصد و سی کیلومتر مرز بین المللی) محدود شده است. استان کرمانشاه با مساحت ۲۵۰۴۵ کیلومتر مربع تقریباً ۱/۵ درصد از کل مساحت ایران را و به خود اختصاص داده و بین ۳۳ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۱۱ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه طول شرق نسبت به نصف النهار گرینویچ قرار دارد (تاجفر، ۱۳۸۵، ص ۶۶). بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۹۵ استان کرمانشاه دارای ۱۴ شهرستان، ۳۱ بخش، ۳۲ شهر و ۸۶ دهستان و ۲۵۳۷ روستا است.



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی استان کرمانشاه

یافته های تحقیق

تحلیل توان اقتصادی استان و مقایسه آن با مناطق پیرامون و کشور

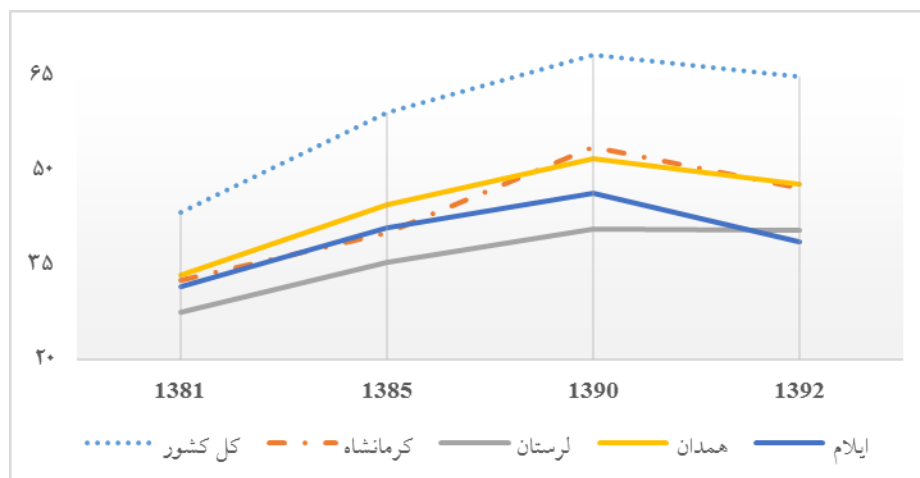
بر اساس اطلاعات جدول (۱) و شکل (۲) رشد متوسط سالانه سرانه تولید ناخالص داخلی بدون نفت به قیمت ثابت همه استان‌های منطقه ۳ از مقدار کشوری در کلیه سال‌های دوره ۹۲-۱۳۸۱ کمتر بوده است. به بیانی ساده باید گفت که مدیریت توسعه در استان‌های منطقه ۳ از میانگین کشور پایین‌تر است. بیشترین رشد متوسط در استان‌های منطقه ۳ مربوط به لرستان با ۳/۶ درصد و کمترین رشد متوسط مربوط به استان ایلام با ۱/۹ درصد بوده است. رشد متوسط سالانه سرانه استان کرمانشاه با ۳/۴ درصد از جایگاه دوم در منطقه ۳ برخوردار است. طی سال‌های مورد بررسی هرچند میانگین کشور ۱/۵ برابر شده ولی این افزایش در استان‌های منطقه ۳ کمتر از ۱/۴ برابر بوده است. به بیانی ساده‌تر طی دوره مورد بررسی اختلاف تولید سرانه استان‌های منطقه ۳ علی‌رغم رشد از میانگین کشوری بیشتر شده است. در سال ۱۳۹۲ بیشترین مقدار تولید سرانه به استان همدان (۴۷/۸ میلیون ریال) و کمترین مقدار به استان ایلام (۳۸/۷ میلیون ریال) تعلق داشته است (طرح آمایش استان کرمانشاه، ۱۳۹۷، ص ۶۴).

جدول ۱: تولید ناخالص سرانه (بدون نفت) به قیمت ثابت (میلیون ریال)

کشور/استان	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۸	۱۳۹	رشد متوسط
کشور	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۳۸	۱۳۹	۲
کرمانشاه	۳۲.۷	۳۱.۲	۳۵.۰	۳۷.۷	۴۰.۱	۴۲.۴	۴۳.۰	۴۵.۷	۵۱.۵	۵۳.۷	۵۰.۷	۳.۴
کل کشور	۴۳.۳	۴۵.۸	۴۹.۹	۵۴.۴	۵۹.۱	۶۳.۰	۶۱.۴	۶۱.۵	۶۵.۷	۶۸.۲	۶۵.۶	۳.۷

لرستان	۲۷.۶	۲۸.۸	۲۹.۵	۳۲.۱	۳۵.۵	۳۶.۱	۳۳.۶	۳۵.۱	۴۰.۴	۴۰.۸	۴۰.۶	۴۰.۶	۳.۶
همدان	۳۳.۴	۳۳.۴	۳۸.۸	۴۰.۶	۴۴.۶	۴۷.۷	۴۳.۰	۴۶.۴	۴۸.۱	۵۱.۸	۴۷.۲	۴۷.۸	۳.۳
ایلام	۳۱.۶	۳۰.۲	۳۴.۵	۳۷.۰	۴۱.۰	۴۰.۵	۴۰.۱	۴۲.۸	۴۶.۸	۴۶.۳	۴۰.۰	۳۸.۷	۱.۹

مأخذ: مرکز آمار ایران حسابهای منطقه‌ای ۱۳۹۲



شکل ۲: روند تولید ناخالص داخلی استان و مقایسه آن با منطقه ۳ و کشور طی سال‌های ۱۳۸۱، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و

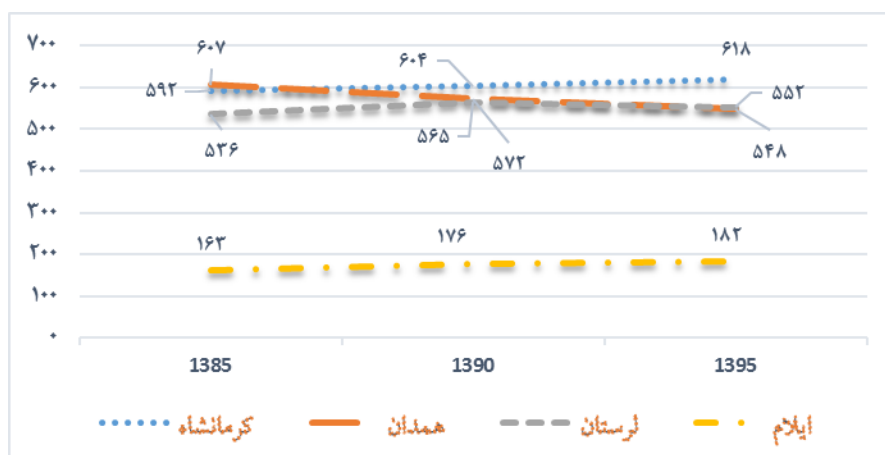
تحلیل جمعیت فعال استان و مقایسه آن با مناطق پیرامون و کشور

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جدول (۲) تعداد جمعیت ۱۰ سال و بیشتر استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۶۶۷۷۳۵ نفر بوده که در سال ۱۳۹۵ این تعداد به ۱۶۵۸۰۱۰ نفر کاهش یافته است. نرخ مشارکت اقتصادی در استان کرمانشاه در سال ۱۳۹۰، ۳۳/۲ درصد بوده است که این میزان در سال ۱۳۹۵ به ۳۸/۹ درصد افزایش یافته است. بررسی سهم اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی نشان می‌دهد که سهم بخش صنعتی در اشتغال استان در سال ۱۳۹۰ از ۲۵/۴ درصد به ۲۲/۳ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. سهم بخش کشاورزی در سال ۱۳۹۰ از ۲۷/۲ درصد به ۲۷/۶ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است و سهم بخش خدمات در سال ۱۳۹۰ از ۴۷/۳ درصد به ۵۰/۲ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. بر اساس اطلاعات مرکز آمار در سال ۱۳۸۵ از کل جمعیت ۱۰ سال و بیشتر کشور یعنی (۵۹۱۴۲ هزار نفر)، ۴۹۷۲ هزار نفر (۱۰/۶ درصد) در استان‌های منطقه سه قرار داشته است که در این میان استان کرمانشاه با ۳۳/۲ درصد جمعیت ۱۰ سال و بیشتر منطقه در رده اول قرار داشته است. از تعداد ۴۹۷۲ هزار نفر جمعیت ۱۰ سال و بیشتر منطقه ۳ حدود ۱۸۹۸ هزار نفر (۳۸/۲ درصد) فعال بوده و از کل جمعیت فعال منطقه حدود ۸۴/۸ درصد شاغل و ۱۵/۲ درصد بیکار بوده است. در این سال تعداد جمعیت فعال منطقه ۳ حدود ۸/۱ درصد جمعیت فعال کشور بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-نگارنده).

جدول ۲: جمعیت ۱۰ سال و بیشتر استان‌های منطقه ۳ برحسب وضع فعالیت (هزار نفر)

سال												عنوان
سال ۱۳۹۵			سال ۱۳۹۰				سال ۱۳۸۵					
جمعیت فعال			جمعیت فعال			جمعیت فعال			جمعیت			
جمع	بیکار	شاغل	جمع	بیکار	شاغل	جمع	بیکار	شاغل	جمع	بیکار	شاغل	
۲۵۹۲	۳۲۵	۲۲۶۷	۲۳۳۸	۲۸۷	۲۰۵۱	۲۳۴۸	۲۶۴	۲۰۸۴	۲۳۴۸	۲۶۴	۲۰۸۴	کشور
۹	۸	۱	۸	۸	۰	۴	۳	۱	۴	۳	۱	۵۸۱۴۲
۱۸۹۹	۳۱۴	۱۵۸۵	۱۹۱۷	۳۰۳	۱۶۱۴	۱۸۹۸	۲۸۹	۱۶۰۹	۱۸۹۸	۲۸۹	۱۶۰۹	منطقه ۳
۶۱۸	۱۵۵	۴۶۳	۶۰۴	۹۵	۵۰۹	۵۹۲	۹۸	۴۹۴	۵۹۲	۹۸	۴۹۴	کرمانشا ه
۱۵۵۸	۱۴۶۱	۱۵۵۸	۱۵۵۸	۱۴۶۱	۱۵۵۸	۱۵۱۰	۸۲	۵۲۵	۱۵۱۰	۸۲	۵۲۵	همدان
۱۴۵۵	۱۴۵۵	۱۴۵۵	۱۴۵۵	۱۴۵۵	۱۴۵۵	۱۵۲۴	۸۷	۴۴۹	۱۵۲۴	۸۷	۴۴۹	لرستان
۴۸۶	۴۸۶	۴۸۶	۴۸۶	۴۸۶	۴۸۶	۴۷۶	۲۲	۱۴۱	۴۷۶	۲۲	۱۴۱	ایلام
۱۷۶	۱۷۶	۱۷۶	۱۷۶	۱۷۶	۱۷۶	۱۶۳	۲۲	۱۴۱	۱۶۳	۲۲	۱۴۱	

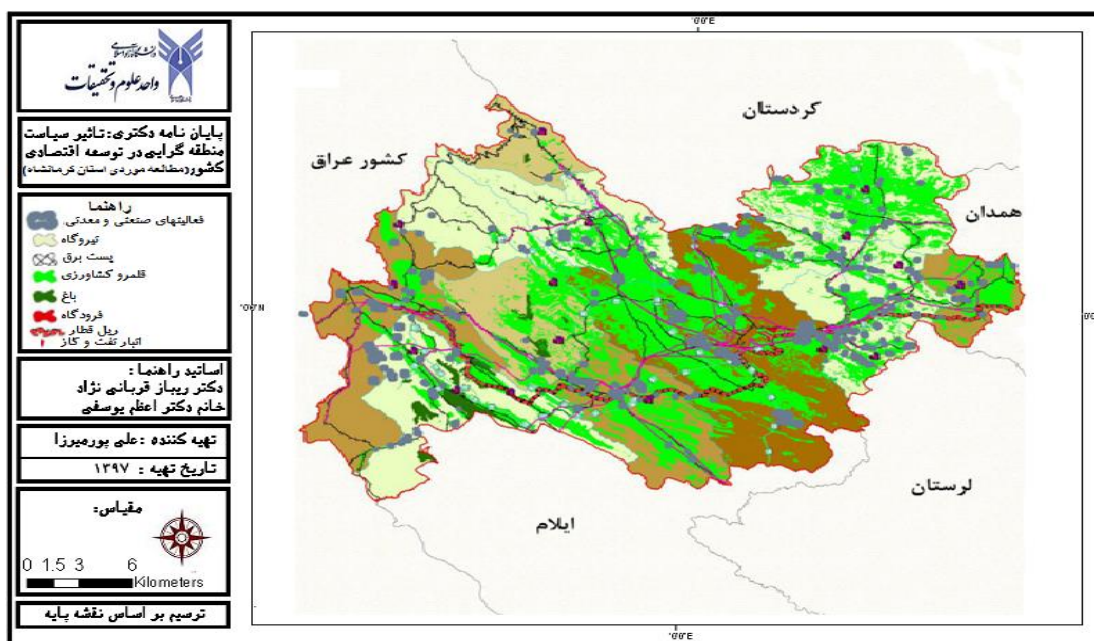
مرکز آمار ایران- (نگارنده) ۱۳۹۵



شکل ۳: تعداد جمعیت فعال استان‌های منطقه ۳ طی سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ (هزار نفر)

ساختار فضایی اقتصادی استان کرمانشاه

شکل (۴) ساختار فضایی اقتصاد استان کرمانشاه را نمایش می دهد. تمرکز فعالیت های اقتصادی و زیرساخت های استان بر محور کنگاور، کرمانشاه و قصرشیرین در شکل کاملا نمایان است. همچنین تمرکز فعالیت ها در شهرستان کرمانشاه و رابطه مرکز-پیرامون در استان در شکل قابل مشاهده می باشد. ساختار فضایی اقتصاد در استان به صورت خوشه ای و شعاعی شکل گرفته است. خوشه اول مربوط به شهرستان های سنقر، کنگاور، صحنه و هرسین در قسمت شمال شرقی، خوشه دوم در ناحیه اورامانات یعنی شهرستان های پاوه، جوانرود، روانسر، ثلاث باباجانی و خوشه سوم در جنوب غربی و مربوط به شهرستان های اسلام آباد، دالاهو، سرپل ذهاب، قصرشیرین و گیلانغرب می باشد. هر سه خوشه یادشده به طور شعاعی به مرکز استان یعنی شهرستان کرمانشاه متصل می باشند. به طور کلی باید گفت که ساختار فضایی اقتصاد، استان را به سه قسمت نیمه شمالی با دو ناحیه سنقر و اورامانات کم برخوردار، نیمه میانی که شامل محور کنگاور-کرمانشاه-اسلام آباد-قصرشیرین با سطح برخورداری بالا و تمرکز فعالیت های اقتصادی و زیرساختی و در نهایت نیمه جنوبی استان که در مقایسه با نیمه شمالی وسعت کمتری داشته و در بردارنده قسمت های جنوبی شهرستان های هرسین و گیلانغرب که همچون نیمه شمالی کم برخوردار می باشند، تقسیم کرده است (طرح آمایش استان کرمانشاه، ۱۳۹۷، ص ۱۷۳-۱۷۲).



شکل ۴: ساختار فضایی اقتصاد استان کرمانشاه

تحلیل پرسشنامه و آمار استنباطی

این قسمت به تحلیل داده های جمع آوری شده اختصاص دارد. به منظور نیل به این هدف از دو نوع آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده می گردد. ابعاد و شاخص های مورد سنجش در جدول (۳) بیان شده است. در قلمرو شغل و درآمد خانوار، بیشترین فراوانی مربوط به گویه کاهش اختلاف طبقاتی است که میزان 52.5 درصد پاسخهای مد گزینه ۳ (خوب) را انتخاب کردند و کمترین فراوانی مربوط به گویه رضایت از شغل با 38.33 درصد پاسخهای مد است. میانگین نهایی قلمرو

در ۷ گویه، برابر با 3.24 است. در قلمرو مراکز اقتصادی بیشترین فراوانی مربوط به گویه توسعه مراکز تجاری و بازرگانی است که میزان ۵۰ درصد پاسخهای مد گزینه ۴ (خوب) را انتخاب کردند و کمترین فراوانی مربوط به گویه بهبود معیشت کولبران در نوار مرزی با 33.33 درصد پاسخهای مد است. میانگین نهایی قلمرو در ۳ گویه، برابر با 3.75 است. در قلمرو آموزش بیشترین فراوانی مربوط به گویه آزمایشگاه علمی مناسب است که میزان 48.33 درصد پاسخهای مد گزینه ۳ (متوسط) را انتخاب کردند و کمترین فراوانی مربوط به گویه مدارس نوساز و باکیفیت با 33.33 درصد پاسخهای مد است. میانگین نهایی قلمرو در ۷ گویه، برابر با 3.07 است. در قلمرو سلامت، بیشترین فراوانی مربوط به گویه توسعه مراکز بهداشتی و درمانی است که میزان ۵۵ درصد پاسخهای مد گزینه ۴ (خوب) را انتخاب کردند و کمترین فراوانی مربوط به گویه بهبود هوای شهرها با 36.67 درصد پاسخهای مد است. میانگین نهایی قلمرو در ۴ گویه، برابر با 3.50 است. در قلمرو کیفیت روابط اجتماعی و همبستگی، بیشترین فراوانی مربوط به گویه نبود نزاع و کشمکش است که میزان 50 درصد پاسخهای مد گزینه ۳ (متوسط) را انتخاب کردند و کمترین فراوانی مربوط به گویه مشورت و همیاری همسایگان با 37.5 درصد پاسخهای مد است. میانگین نهایی قلمرو در ۶ گویه، برابر با 3.33 است. در قلمرو محیط مسکونی، بیشترین فراوانی مربوط به گویه کافی بودن فضا خانه برای اعضای خانواده است که میزان 48.33 درصد پاسخهای مد گزینه ۳ (متوسط) را انتخاب کردند و کمترین فراوانی مربوط به گویه ایجاد روشنایی و نورگیری خانه ها با 32.5 درصد پاسخهای مد است. میانگین نهایی قلمرو در ۶ گویه، برابر با 3.26 است. در قلمرو زیر ساختها، بیشترین فراوانی مربوط به گویه های توسعه راه ارتباطی مناسب با میزان 52.5 درصد پاسخهای مد گزینه ۴ (خوب) و دسترسی به خدمات عمومی با میزان 52.5 درصد پاسخهای مد گزینه ۴ (خوب) است و کمترین فراوانی مربوط به گویه وضعیت زیر ساختهای حامل انرژی با 46.67 درصد پاسخهای مد است. میانگین نهایی قلمرو در ۶ گویه، برابر با 3.83 است. در قلمرو محیط زیست، بیشترین فراوانی مربوط به گویه توسعه فضای سبز محل سکونت است که میزان 45.83 درصد پاسخهای مد، گزینه ۴ (خوب) را انتخاب کردند و کمترین فراوانی مربوط به گویه مدیریت خاک و جلوگیری از فرسایش آن با 34.17 درصد پاسخهای مد است. میانگین نهایی قلمرو در ۶ گویه، برابر با 3.39 است. در قلمرو امنیت، بیشترین فراوانی مربوط به گویه امنیت مرزهای استان با 48.33 درصد پاسخهای مد گزینه ۴ (خوب) و کمترین فراوانی مربوط به گویه پیشگیری از قاچاق کالا در نوار مرزی با 29.17 درصد پاسخهای مد است. میانگین نهایی قلمرو در ۵ گویه، برابر با 3.60 است.

جدول ۳: ابعاد و شاخصهای ارزیابی شده

میانگین پاسنهای قلمرو	تعداد گویه ها	شاخص	متغیرها	ابعاد
۳/۲۴	۷	بهبود وضعیت درآمد، امید به امنیت شغلی، بهبود وضعیت پس انداز، رضایت از شغل، بهبود قدرت خرید، کاهش اختلاف طبقاتی، بهبود اشتغال	شغل و درآمد خانوار	اقتصادی
۳/۷۵	۳	توسعه مراکز تجاری و بازرگانی، توسعه بازارچه های محلی، بهبود معیشت کولبران در نوار مرزی	توسعه مراکز اقتصادی	
۳/۰۷	۷	توسعه مدارس نوساز و باکیفیت، توسعه دانشگاهها و مراکز علمی، دسترسی آسان با زمان کم کودکان و نوجوانان به مدارس، داشتن معلمان و اساتید خوب و باتجربه، داشتن آزمایشگاه علمی مناسب، بهبود وضعیت کتابخانه ها، بهبود شرایط مطبوعات و مجلات	توسعه آموزش	اجتماعی - فرهنگی
۳/۵۰	۴	توسعه مراکز بهداشتی و درمانی، وجود کادر مجرب پزشکی، بهبود سرانه سبد غذایی، بهبود هوای شهرها،	توسعه سلامت	
۳/۳۳	۶	رضایت از مشورت و همیاری همسایگان، افزایش سرمایه اجتماعی در استان، احساس رضایت از همسایگان و نبود نزاع و کشمکش، احساس شادمانی و آرامش، رضایت از احترام در خانواده، توسعه حضور زنان در عرصه های مختلف	توسعه روابط اجتماعی و همبستگی	
۳/۲۶	۶	ایجاد خانه های نوساز و بادوام و با کیفیت مناسب، طراحی امکانات مناسب در واحدهای مسکونی (سیستم گرمایشی، سرمایشی و سرویس بهداشتی)، به کارگیری مواد و مصالح مقاوم در	توسعه محیط مسکونی	کالبدی

		ساخت واحدهای مسکونی، کافی بودن فضا خانه برای اعضای خانواده، توسعه مسکن و ساختمان سازی برای زوجین جوان، ایجاد روشنایی و نورگیری خانه ها		
۳/۸۳	۶	توسعه راه ارتباطی مناسب، دسترسی به وسایل حمل و نقل مناسب، دسترسی به خدمات اداری و مالی (دولتی و خصوصی)، برخورداری از آب آشامیدنی سالم، دسترسی به خدمات عمومی (نانوایی، خواربارفروشی)، وضعیت زیر ساختهای حامل انرژی (برق و گاز و اینترنت)	توسعه زیرساخت ها	
۳/۳۹	۶	توسعه سیمای شهرها و روستاها، بهبود فضای سبز محل سکونت، پرهیز از ساخت خانه ها در اراضی شیب دار و خطرناک، مدیریت منابع آب، مدیریت خاک و جلوگیری از فرسایش آن، بهبود شرایط محیط زیست (جنگلها، مراتع و حیات وحش)	توسعه محیط زیست	محیطی
۳/۶۰	۵	امنیت مرزهای استان، امنیت سفر به کشور عراق، وضعیت جرم و بزهکاری در استان، عملکرد پلیس و نیروهای امنیتی در منازعات و مواقع اضطراری، پیشگیری از قاچاق کالا در نوار مرزی	توسعه امنیت	سیاسی - امنیتی
۵۰			تعداد شاخصها	

ماخذ: نگارنده)

آزمون ویلکاکسون و ابعاد توسعه

زمانی که در یک تحقیق هدف مقایسه یک متغیر در دو وضعیت متفاوت باشد می توان با مقایسه آنها اختلاف وضعیتها را بررسی کرد. همانگونه که ذکر شد پس از مشخص نمودن و درک وضعیت موجود، برای بررسی تفاوت بین وضع موجود و شرایط ایده آل از آزمون ویلکاکسون (wilcoxon test) استفاده شد. این آزمون از آزمونهای ناپارامتری (ناپارامتریک) است که برای ارزیابی همانندی دو نمونه وابسته با مقیاس رتبه ای به کار می رود.

تحلیل آزمون ویلکاکسون در بعد اقتصادی

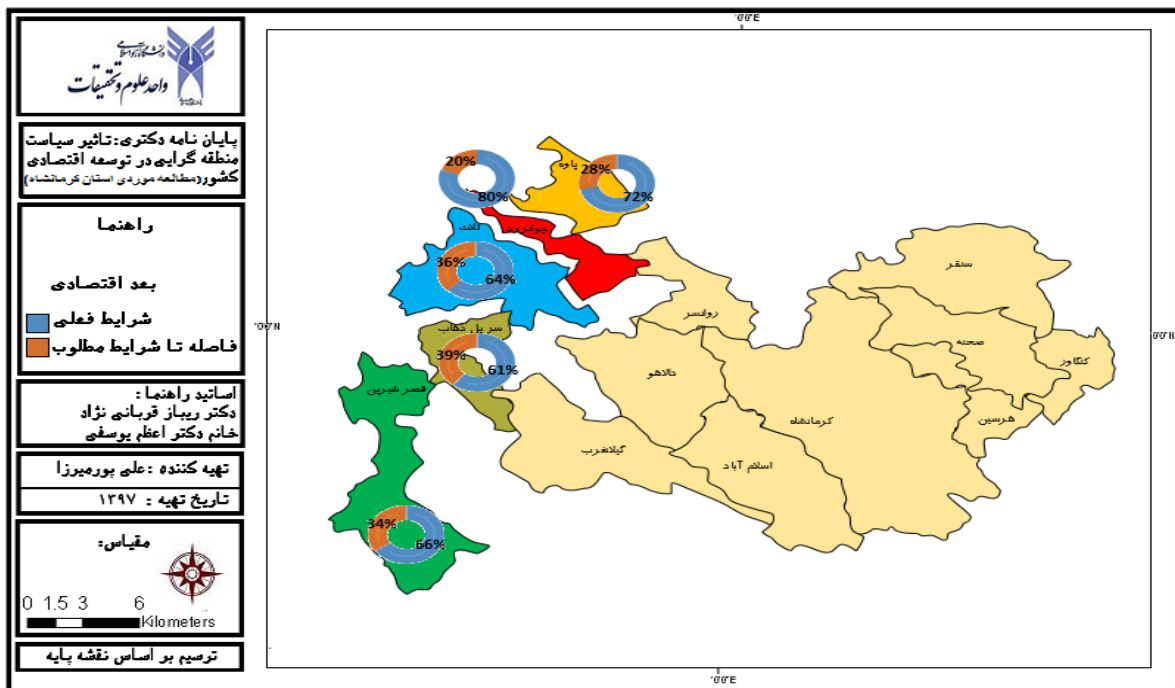
تحلیل آماری تفاوت بین وضع موجود و شرایط ایده آل در جامعه نمونه با استفاده از آزمون رتبه ای ویلکاکسون در بعد اقتصادی حاکی از تفاوت محسوس بین ۱۰گویه در دو شرایط وضع موجود و ایده آل در سطح آلفا دارد.

همانطور که در جدول (۴) ملاحظه می کنید این اختلاف به گونه ای است که تعداد رتبه های منفی ۶۵ ، رتبه های مثبت ۵۰ و رتبه های برابر ۵ هستند. و تعداد رتبه های منفی بیش از رتبه های مثبت است. همچنین سطح معنی داری بیش از ۰.۰۵ است در نتیجه با رد فرضیه H_0 و پذیرش فرضیه H_1 مبنی بر وجود فاصله چشمگیر شاخصهای فعلی با شاخصهای توسعه پایدار می توان ادعا کرد که بر اساس نظر مدیران وضعیت اقتصادی موجود با شرایط ایده آل و مطلوب فاصله معنی داری دارد. و این اختلاف به صورت شکل (۵) نمایش داده شد.

جدول ۴: نتایج تحلیل تفاوت بین شرایط موجود اقتصادی با شرایط ایده آل از طریق آزمون ویلکاکسون

Test Statistics		رتبه ها			تعداد پاسخگویان اقتصادی
سطح معناداری	Z	رتبه برابر	رتبه منفی	رتبه مثبت	
۰.۹۹	۱.۶۴۹	۵	۶۵	۵۰	۱۲۰
	-				

ماخذ: یافته های تحقیق



شکل ۵: تحلیل فاصله وضعیت موجود تا شرایط مطلوب در بعد اقتصادی

تحلیل آزمون ویلکاکسون در بعد اجتماعی - فرهنگی

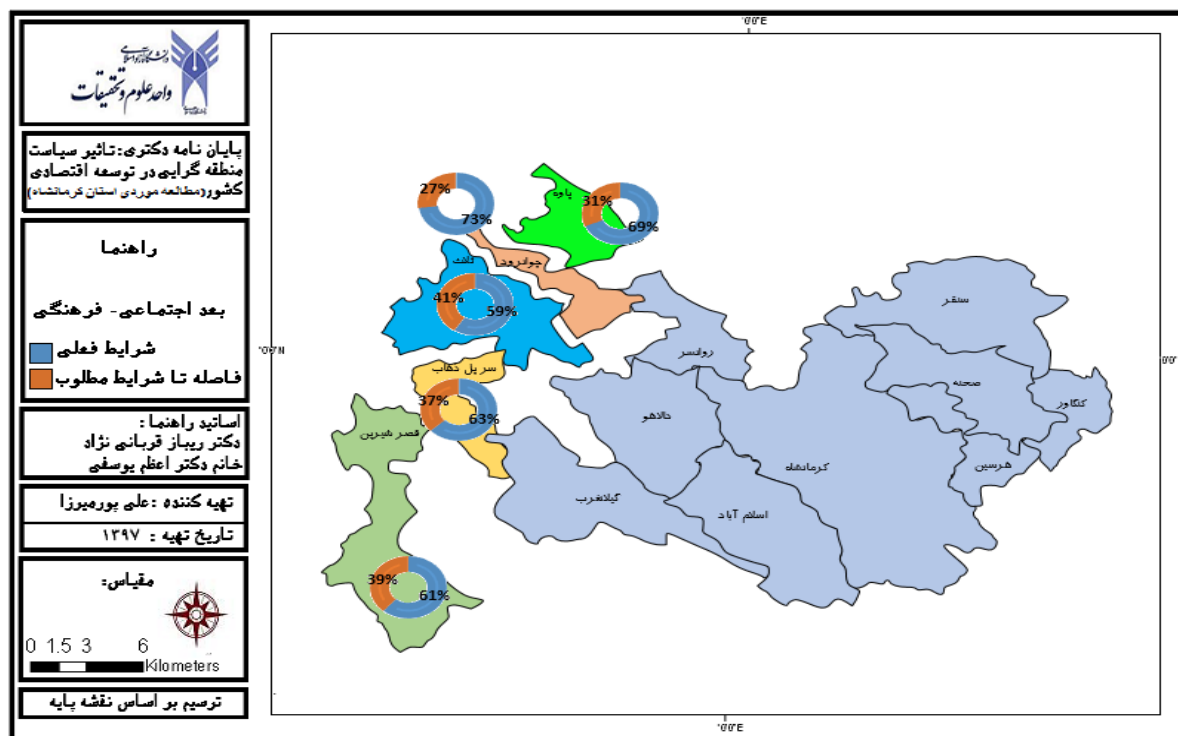
تحلیل آماری تفاوت بین وضع موجود و شرایط ایده آل در جامعه نمونه با استفاده از آزمون رتبه ای ویلکاکسون در بعد اجتماعی - فرهنگی حاکی از تفاوت محسوس بین ۱۷ گویه در دو شرایط وضع موجود و ایده آل در سطح آلفا دارد. همانطور که در جدول (۵) ملاحظه می کنید این اختلاف به گونه ای است که تعداد رتبه های منفی ۵۸ ، رتبه های مثبت ۴۹ و رتبه های برابر ۱۳ هستند. و تعداد رتبه های منفی بیش از رتبه های مثبت است. همچنین سطح

معنی داری بیش از ۰.۰۵ است در نتیجه با رد فرضیه H_0 و پذیرش فرضیه H_1 مبنی بر وجود فاصله چشمگیر شاخصهای فعلی با شاخصهای توسعه پایدار می توان ادعا کرد که بر اساس نظر مدیران وضعیت اجتماعی - فرهنگی موجود با شرایط ایده آل و مطلوب فاصله معنی داری دارد. و این اختلاف به صورت شکل (۶) نمایش داده شد.

جدول ۵: نتایج تحلیل تفاوت بین شرایط موجود اجتماعی - فرهنگی با شرایط ایده آل از طریق آزمون ویلکاکسون

Test Statistics		رتبه ها			تعداد پاسخگویان بعد اجتماعی - فرهنگی
سطح معناداری	Z	رتبه مثبت	رتبه منفی	رتبه برابر	
۰.۵۹۸	۰.۵۴۰	۴۹	۵۸	۱۳	۱۲۰
	-				

ماخذ: یافته های تحقیق



شکل ۶: تحلیل فاصله وضعیت موجود تا شرایط مطلوب در بعد اجتماعی - فرهنگی

تحلیل آزمون ویلکاکسون در بعد کالبدی

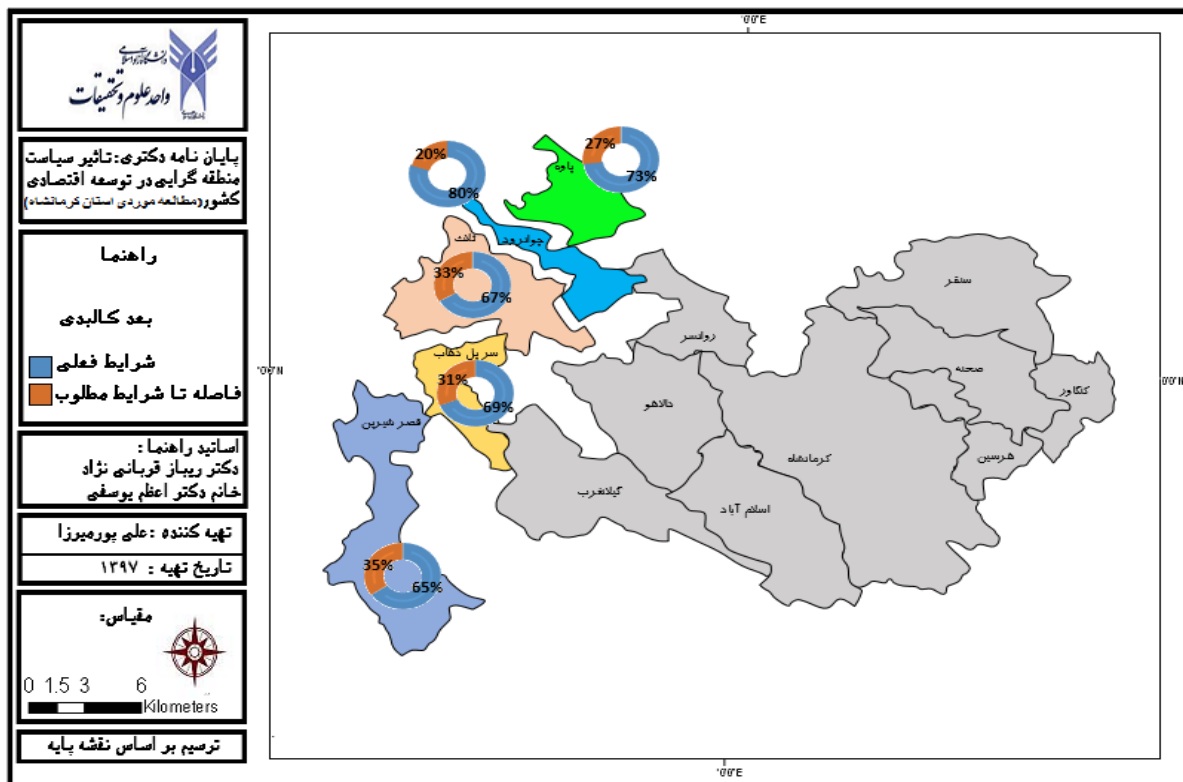
تحلیل آماری تفاوت بین وضع موجود و شرایط ایده آل در جامعه نمونه با استفاده از آزمون رتبه ای ویلکاکسون در بعد کالبدی حاکی از تفاوت محسوس بین ۱۲ گویه در دو شرایط وضع موجود و ایده آل در سطح آلفا دارد. همانطور که در جدول (۶) ملاحظه می کنید این اختلاف به گونه ای است که تعداد رتبه های منفی ۷۸، رتبه های مثبت ۳۳ و رتبه های برابر ۹ هستند. و تعداد رتبه های منفی بیش از رتبه های مثبت است. همچنین سطح معنی داری بیش از

۰.۰۵ است در نتیجه با رد فرضیه H_0 و پذیرش فرضیه H_1 مبنی بر وجود فاصله چشمگیر شاخصهای فعلی با شاخصهای توسعه پایدار می توان ادعا کرد که بر اساس نظر مدیران وضعیت کالبدی موجود با شرایط ایده آل و مطلوب فاصله معنی داری دارد. و این اختلاف به صورت شکل در شکل (۷) نمایش داده شد.

جدول ۶: نتایج تحلیل تفاوت بین شرایط موجود کالبدی با شرایط ایده آل از طریق آزمون ویلکاکسون

تعداد پاسخگویان بعد کالبدی	رتبه ها			Z	سطح معناداری
	رتبه مثبت	رتبه منفی	رتبه برابر		
۱۲۰	۳۳	۷۸	۹	۴.۳۸۸	۰.۰۱۲

ماخذ: یافته های تحقیق



شکل ۷: تحلیل فاصله وضعیت موجود تا شرایط مطلوب در بعد کالبدی

تحلیل آزمون ویلکاکسون در بعد زیست محیطی

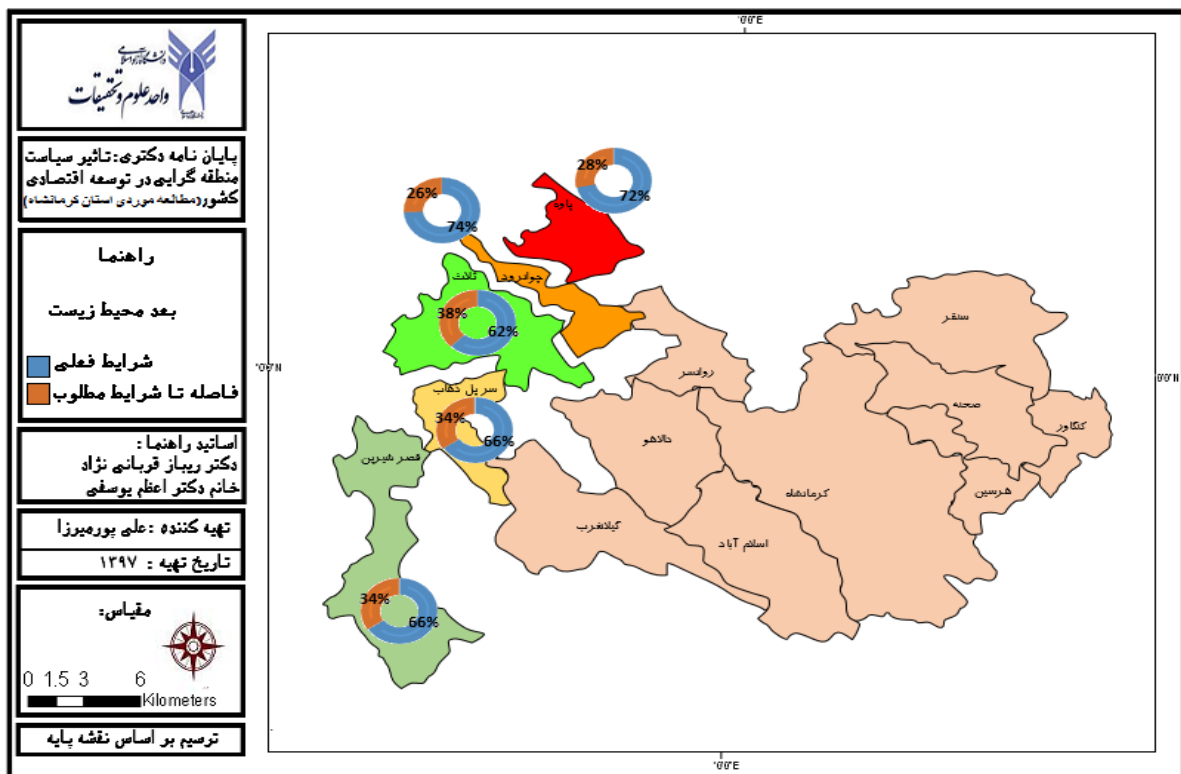
تحلیل آماری تفاوت بین وضع موجود و شرایط ایده آل در جامعه نمونه با استفاده از آزمون رتبه ای ویلکاکسون در بعد زیست محیطی حاکی از تفاوت محسوس بین ۶ گویه در دو شرایط وضع موجود و ایده آل در سطح آلفا دارد. همانطور که در جدول (۷) ملاحظه می کنید این اختلاف به گونه ای است که تعداد رتبه های منفی ۵۸، رتبه های مثبت ۵۴ و رتبه های برابر ۸ هستند. و تعداد رتبه های منفی بیش از رتبه های مثبت است. همچنین سطح معنی داری بیش از ۰.۰۵ است در نتیجه با رد فرضیه H_0 و پذیرش فرضیه H_1 مبنی بر وجود فاصله چشمگیر شاخصهای

فعلی با شاخصهای توسعه پایدار می توان ادعا کرد که بر اساس نظر مدیران وضعیت زیست محیطی موجود با شرایط ایده آل و مطلوب فاصله معنی داری دارد. و این اختلاف به صورت شکل (۸) نمایش داده شد.

جدول ۷: نتایج تحلیل تفاوت بین شرایط موجود زیست محیطی با شرایط ایده آل از طریق آزمون ویلکاکسون

Test Statistics		رتبه ها			تعداد پاسخگویان بعد زیست محیطی
سطح معناداری	Z	رتبه برابر	رتبه منفی	رتبه مثبت	
۰.۳۷۰	۰.۸۹۶	۸	۵۸	۵۴	۱۲۰
	-				

ماخذ: یافته های تحقیق



شکل ۸: تحلیل فاصله وضعیت موجود تا شرایط مطلوب در بعد زیست محیطی

تحلیل آزمون ویلکاکسون در بعد سیاسی - امنیتی

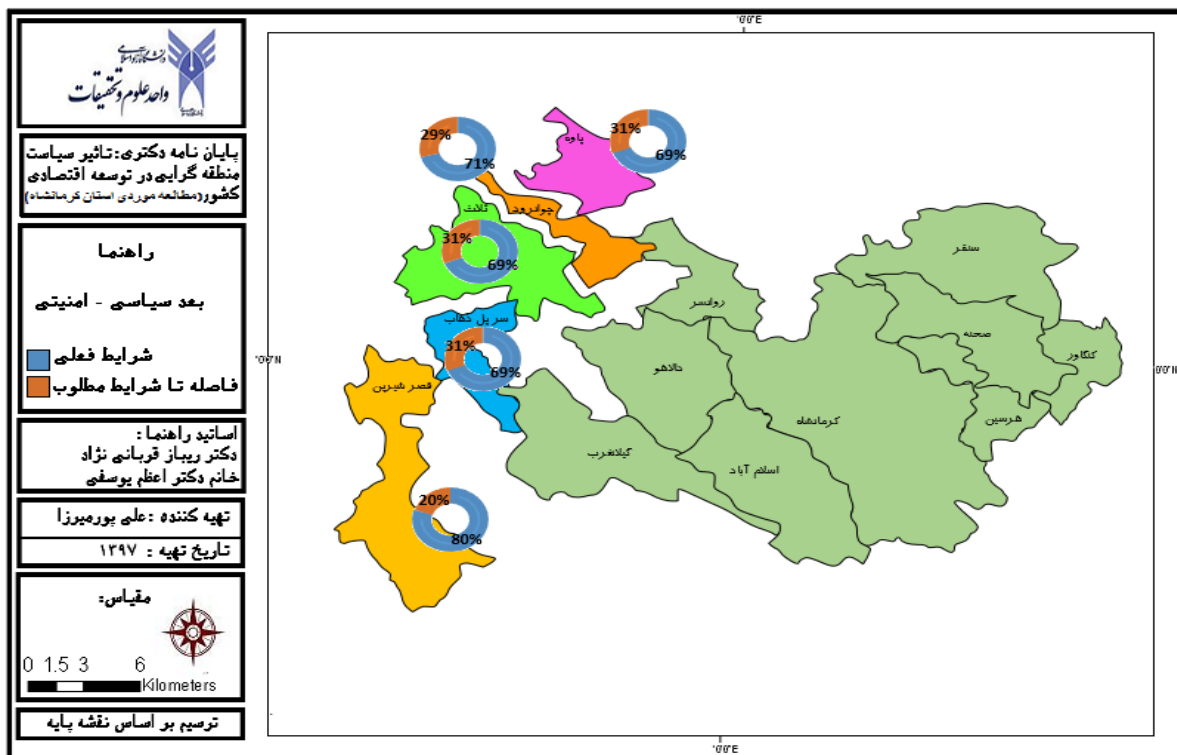
تحلیل آماری تفاوت بین وضع موجود و شرایط ایده آل در جامعه نمونه با استفاده از آزمون رتبه ای ویلکاکسون در بعد سیاسی - امنیتی حاکی از تفاوت محسوس بین ۵ گویه در دو شرایط وضع موجود و ایده آل در سطح آلفا دارد. همانطور که در جدول (۸) ملاحظه می کنید این اختلاف به گونه ای است که تعداد رتبه های منفی ۴۲، رتبه های مثبت ۷۴ و رتبه های برابر ۴ هستند. در این آزمون برخلاف آزمونهای دیگر تعداد رتبه های مثبت بیش از رتبه های منفی است. همچنین سطح معنی داری کمتر از ۰.۰۵ است در نتیجه با پذیرش فرضیه H_0 و ابطال فرضیه H_1 مبنی بر وجود فاصله چشمگیر شاخصهای فعلی با شاخصهای توسعه پایدار می توان ادعا کرد که بر اساس نظر مدیران

وضعیت سیاسی- امنیتی موجود با شرایط ایده آل و مطلوب فاصله معنی داری ندارد و در این حوزه وضعیت مطلوبی حاکم است. و این اختلاف به صورت شکل (۹) نمایش داده شد.

جدول ۸: نتایج تحلیل تفاوت بین شرایط موجود سیاسی- امنیتی با شرایط ایده آل از طریق آزمون ویلکاکسون

Test Statistics		رتبه ها			تعداد پاسخگویان بعد سیاسی - امنیتی
سطح معناداری	Z	رتبه برابر	رتبه منفی	رتبه مثبت	
۰.۰۰۰	۴.۳۳۶	۴	۴۲	۷۴	۱۲۰
	-				

ماخذ: یافته های تحقیق



شکل ۹: تحلیل فاصله وضعیت موجود تا شرایط مطلوب در بعد سیاسی- امنیتی

تحلیل آزمون ویلکاکسون در ابعاد مختلف توسعه

تحلیل آماری تفاوت بین وضع موجود و شرایط ایده آل در جامعه نمونه با استفاده از آزمون رتبه ای ویلکاکسون ، حاکی از تفاوت محسوس بین ۵۰ گویه در دو شرایط وضع موجود و ایده آل در سطح آلفا دارد. همانطور که در جدول(۹)ملاحظه می کنید این اختلاف به گونه ای است که تعداد رتبه های منفی ۶۱ ، رتبه های مثبت ۴۸ و رتبه های برابر ۱۱ هستند. و تعداد رتبه های منفی بیش از رتبه های مثبت است. همچنین سطح معنی داری بیش از ۰.۰۵ است در نتیجه با رد فرضیه H_0 و پذیرش فرضیه H_1 مبنی بر وجود فاصله چشمگیر شاخصهای فعلی توسعه با شاخصهای توسعه پایدار می توان ادعا کرد که بر اساس نظر مدیران وضع موجود در همه مولفه ها با شرایط ایده آل

و مطلوب فاصله معنی داری دارد. اگرچه در بعد سیاسی امنیتی شرایط مطلوب بوده اما به واسطه ترکیب با دیگر ابعاد با میانگین نزولی مواجه شده است.

جدول ۱۰: نتایج تحلیل تفاوت بین شرایط موجود و شرایط ایده آل در ابعاد مختلف توسعه از طریق آزمون

ویلکاکسون

Test Statistics		رتبه ها			تعداد پاسخگویان
سطح معناداری	Z	رتبه برابر	رتبه منفی	رتبه مثبت	
۰.۳۳	۲.۱۲۶	۱۱	۶۱	۴۸	۱۲۰
	-				

ماخذ: یافته های تحقیق

جمع بندی و نتیجه گیری

سیاست های لازم برای رشد اقتصادی می توانند سبب تغییرات بسیاری در کشور شوند و ارزش های اجتماعی یا سیاسی موجود را در هم ریزند. رشد اقتصادی اغلب با بروز اختلاف شدید در میزان درآمد و ثروت اعضای جامعه همراه است. منطقه گرایی و مشارکت اقتصادی - اجتماعی می تواند تحولی بنیادین در تسهیل روند توسعه داشته باشد. می توان گفت منطقه گرایی نوین کارکردش ۱۰۰ درصد اقتصادی است و مبتنی بر پذیرش نظریه وابستگی متقابل می باشد. باید برای توسعه یک منطقه همه عوامل را درگیر توسعه آن منطقه نمود. با تحلیل تاثیر منطقه گرایی در ابعاد (اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، کالبدی، زیست محیطی و سیاسی - امنیتی) در قالب متغیرهای (شغل و درآمد خانوار، توسعه مراکز اقتصادی، توسعه آموزش، توسعه سلامت، توسعه روابط اجتماعی و همبستگی، توسعه محیط مسکونی، توسعه زیرساخت ها، توسعه محیط زیست و توسعه امنیت) در ۵ شهرستان مرزی استان کرمانشاه نتایج به دست آمده حاکی از آن است که در بعد اقتصادی، تاثیر منطقه گرایی بر اقتصاد این نواحی با سنجش ۷ مولفه اقتصادی شغل و درآمد شامل (وضعیت درآمد خانوار، امید به امنیت شغلی، وضعیت پس انداز، رضایت از شغل، بهبود قدرت خرید، کاهش اختلاف طبقاتی و بهبود اشتغال) بیانگر وضعیتی قابل قبول است زیرا میانگین نهایی قلمرو در این مولفه ها، برابر با 3.24 و بیش از میانگین متوسط بوده است و در تحلیل وضعیت توسعه مراکز اقتصادی شامل (توسعه مراکز تجاری و بازرگانی، توسعه بازارچه های محلی و بهبود معیشت کولبران در نوار مرزی) میانگین نهایی برابر با 3.75 است. برای تحلیل تفاوت وضع موجود و شرایط ایده آل در جامعه نمونه از آزمون رتبه ای ویلکاکسون استفاده شد و نتایج حاکی از تفاوت محسوس بین ۵۰ گویه در دو شرایط وضع موجود و ایده آل در سطح آلفا است و این اختلاف به گونه ای است که تعداد رتبه های منفی ۶۱، رتبه های مثبت ۴۸ و رتبه های برابر ۱۱ هستند. و تعداد رتبه های منفی بیش از رتبه های مثبت است. همچنین سطح معنی داری بیش از ۰.۰۵ است در نتیجه با رد فرضیه H_0 و پذیرش فرضیه H_1 مبنی بر وجود فاصله چشمگیر شاخصهای فعلی توسعه با شاخصهای توسعه پایدار می توان ادعا کرد که بر اساس نظر مدیران وضع موجود در همه مولفه ها با شرایط ایده آل و مطلوب فاصله معنی داری دارد. اگرچه در بعد سیاسی امنیتی شرایط مطلوب بوده اما به واسطه ترکیب با دیگر

ابعاد با میانگین نزولی مواجه شده است. بنابراین می توان گفت با توجه به ظرفیت ها و پتانسیلهای استان و کشور همسایه، مرادوات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و تجانسهای فرهنگی با تاکید بر ژئوپولیتیک منطقه، الگوی مناسب تقویت این رابطه نظام مند در ابعاد مختلف با توجه به اعمال سیاست فشار حداکثری از جانب دولت ایالات متحده آمریکا و شرکایش، الگوی سازه انگاری است، زیرا سازه انگاران معتقدند شکل گیری هویت مشترک می تواند عناصری مانند عوامل ژئوپولیتیکی، داشتن تاریخ مشترک و ... باشد. لذا ارتباط تاریخی، ایدئولوژیکی و تمدنی جمهوری اسلامی ایران و عراق و پیشینه روابط این دو، همبستگی و همگرایی در حوزه های مختلف می تواند روند توسعه و رشد اقتصادی را تسهیل کند و تقویت این روابط روز به روز بهتر و گسترده تر گردد و این امر منجر به توسعه استانهای مرزی دو کشور گردد.

منابع

- انصاری، عادل، افضل، رسول (۱۳۹۶) چالش ها و فرصت های همگرایی منطقه ای اکو از منظر تئوری کارکردگرایی فصلنامه مجلس و راهبرد دوره ۲۴ شماره ۹۰، ص ۳۳۷-۳۵۸
- برچیل اسکات [و دیگران] (۱۳۹۵) نظریه های روابط بین الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده و ابوطالب طالب ارانی، نشر میزان
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰) اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک، انتشارات سمت
- دانش نیا، فرهاد (1392) قبض و بسط مفهوم قدرت در سامان فکری جوزف نای، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال چهارم شماره ۹، ص ۸۷-۶۷
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۹) نظریه های مختلف در روابط بین الملل (جزوه درسی)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی
- دئورتی جیمز و فالترزگراف رابرت (۱۳۷۶) نظریه های متعارض در روابط بین الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، نشر قومس
- طرح مطالعات آمایش استان کرمانشاه (۱۳۹۷) سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان کرمانشاه
- سالنامه آماری استان کرمانشاه (۱۳۸۶) معاونت برنامه ریزی استانداری کرمانشاه
- سالنامه آماری استان کرمانشاه (۱۳۹۰)
- سالنامه آماری استان کرمانشاه (۱۳۹۵)
- سیف زاده، حسین (۱۳۹۷) نظریه پردازی در روابط بین الملل مبانی و قالبهای فکری، انتشارات سمت
- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۳) روابط بین الملل در تئوری و در عمل، نشر قومس
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴) تحول در نظریه های روابط بین الملل، انتشارات سمت
- مصلی، غلامرضا (۱۳۸۴) بررسی آسیب پذیری های امنیتی شهرستان مرزی مریوان پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرماندهی و مدیریت انتظامی تهران، دانشگاه تربیت مدرس
- موسوی، میرنجف (۱۳۹۲) ارزیابی نقش بازارچه های مشترک مرزی در توسعه و رفاه مناطق مرزنشین مورد مطالعه، بازارچه ی مرزی ترمچین پیرانشهر، فصلنامه جغرافیا و توسعه شماره ۳۳، ص ۷۰-۵۵
- نقیب زاده، احمد (1382) اتحادیه اروپا از آغاز تا امروز، نشر قومس

- وزارت امور اقتصادی و دارایی (۱۳۷۱) بررسی عملکرد بازارچه های مشترک مرزی و تبیین راه هایی در جهت بهبود روند مذکور و بررسی جایگزین های مناسب، معاونت امور اقتصادی

- Hwang KD, 2006, " Teorising politico- security regionalism", Uneversity of pertoria etd.
- Knox, P I & Marston, S A ,1998 , Places and Regions in Global Context, Human Geography ,NewJersey, Prentice Hall, Upper Saddle River.
- Mohammad Nia, Mahdi , 2011, " Holistic Constructivist Approach to Iran's Foreign Policy", International Journal of Business and Social Science, Vol 2 No 4.
- Nye, Joseph ,2004,Soft Power: The Means to Success in World Politics, New York: Public Affairs.
- Rouhi Dehboneh, Majid,2011," New Approach to Reasons for Disintegrations of Iran and Persian Gulf Cooperation Council", European Journal of Social Sciences Volume24.
- Shen, Shiran,2011, "US Smart Power Falters in Information Age: the Future of Power byJoseph S. Nye, Book Reviewed", www.Foreign Policy in Focus.Com.

Assessment and Evaluation of Development Status in Kermanshah Province with Emphasis on Regionalism Policy

Alipour Mirza ¹, Ribaz Ghorbani Nejad ^{2*}, Azam Yousefi ³, Rahim Sarvar ⁴

¹ PhD student in Political Geography, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran

² PhD in Political Geography, Assistant Professor and Faculty Member, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran

³ PhD in Political Geography, Assistant Professor and Faculty Member, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran

⁴ PhD in Urban Management, Professor and Faculty Member of Islamic Azad University, Science and Research Branch

received the article: 2019/04/06

accepted of the article: 2019/06/19

Abstract

Due to the human, natural resources and geographical and political conditions of the border regions in the national development process today, local resource-based planning can be prioritized through a coordinated military plan. Therefore, it is necessary to improve the economic, social, environmental and cultural indicators in order to achieve the important goals of sustainable development, in the form of regionalism policy, by modeling and providing appropriate solutions. In this study, the status of development in Kermanshah province was investigated with emphasis on regionalism policy. By studying and compiling 120 questionnaires containing 50 questions, the impact of regionalism in different dimensions was studied from the perspective of managers of Kermanshah border towns. Data analysis was done by SPSS. Wilcoxon test was used for statistical analysis of the difference between the status quo and the ideal condition. The results indicate that there are significant differences in the two dimensions between the status quo and the ideal condition. So it can be said that there is a significant gap between the status quo and the ideal conditions for development, and this difference is shown in all dimensions as maps (GIS).

Keywords: Geopolitics, Regionalism, Economic Development, Kermanshah Province

* (Corresponding Author): Rebazghorbani@gmail.com